

آموزش و پرورش دربرگیرنده همه؛ چگونه؟

# تنوع در برنامه‌درسی

دکتر ابوالفضل سعیدی

عضو بازنشسته هیئت علمی

پژوهشگاه آموزش و پرورش

در سه گفتار پیشین درباره لزوم پذیرش یکسان و بدون تبعیض همه کودکان در اتاق‌های درس و محروم نکردن هیچ کودکی از آموزش‌های عمومی گفتیم و سخن به آنجا رسید که برای آموزش کودکان و نوجوانانی که با دیگران تفاوت دارند، باید در مؤلفه‌های آموزش و پرورش دگرگونی‌هایی به‌وجود آوریم. یکی از مؤلفه‌های نیازمند دگرگونی، محتوای برنامه‌درسی است که در این گفتار به آن می‌پردازیم.



**تمایز گذاری در محتوای تکالیف منزل به عنوان روشی برای پاسخ گویی به نیازهای دانش آموزان تیزهوش و توانمند و آنهایی که به مشکلات یادگیری دچارند، به کار می رود**

دانش آموزان آسیب دیده چشمی؛ مدادی با دستگیره قطور برای دانش آموزی که هماهنگی عضلات دستش ضعیف است، هنگامی که نسخه های چاپی مواد آموزشی را برای دانش آموزان دچار مشکلات یادگیری آماده می کنیم، راهبردهای زیر می توانند مفید واقع شوند (اقتباس از: جیمز و براون، ۱۹۹۸؛ سکویز، ۲۰۰۱، به نقل از: وستوود، ۲۰۰۳):

- زبانی که در بیان آن ها به کار می برید، آسان باشد (از جمله های کوتاه استفاده کنید، به جای اصطلاحات و کلمه های دشوار از کلمه های ساده بهره بگیرید).
- پیش از تدریس، هر واژه جدیدی را آموزش دهید (اگر واژه دشواری را می توان ساده کرد، اطمینان حاصل کنید که پیش از درخواست از دانش آموزان برای خواندن بدون کمک، آن کلمه را ارائه و با آنان در موردش بحث کرده اید).
- تصاویر یا نمودارهای واضحی برای توضیح متن فراهم آورید.
- خوانایی نوشته ها و شیوه چینش و طراحی صفحه و متن را ارتقا دهید.
- جزئیات غیر ضروری را حذف کنید.
- به جای اینکه بندهای فشرده و پر اطلاعات تدوین کنید، اطلاعات را در قطعه های کوتاهی از متن ارائه کنید.
- هر جا ممکن است، به جای تدوین بندها از جملات توصیفی و فهرست های ساده بهره بگیرید.
- دستورات یا پرسش های نوشتاری را واضح و ساده تدوین کنید.
- هر جا که قرار است دانش آموزان پاسخ هایی را ارائه کنند، از دادن سرنخ به آن ها یا دادن نمونه یا بخشی از پاسخ خودداری نکنید (برای نمونه، نخستین حرف پاسخ را ذکر کنید، یا برای نشان دادن تعداد کلمه های مورد نیاز در پاسخ، آن ها را با خطوط تیره نشان دهید).
- اصطلاحات یا اطلاعات مهم را برجسته کنید (برای نمونه، از خط کشیدن زیر آن ها و پررنگ یا رنگ کردن حروفشان بهره بگیرید).
- برای تسهیل درک مطلب از متن، از سازه های دستوری ساده تری بهره مند شوید (جمله های معلوم، ساده تر از جمله های

به طور معمول، تعدیل محتوای برنامه درسی دربردارنده موارد زیر است:

- دانش آموزان دارای مشکلات یادگیری باید مواد درسی کمتری را در برنامه مورد نظر فراگیرند. زیرا آنان به طور معمول، در انجام تکالیف یا فعالیت های خود کمتر تلاش می کنند.

- در مورد دانش آموزان تیزهوش یا توانمندتر، برعکس است و آن ها باید محتوایی بیشتر و عمیق تر را فراگیرند.

- برای دانش آموزان معینی در کلاس درس، اهداف عینی تعیین شده در مورد درس ممکن است تسلط بر مفاهیم محدودتر و به کارگیری مهارت های ساده تری را دربرگیرد.

- نوع و میزان تکالیف یادگیری که برای دانش آموزان طراحی می شود، باید با سرعت یادگیری و توانایی های آنان متناسب باشد. ممکن است آن ها در انجام برخی از تکالیف، زمان بیشتری نسبت به دیگران لازم داشته باشند.

- تمایز گذاری در محتوای تکالیف منزل به عنوان روشی برای پاسخ گویی به نیازهای دانش آموزان تیزهوش و توانمند و آنهایی که به مشکلات یادگیری دچارند، به کار می رود.

در برخی تعاریف «تمایز گذاری» به طوری ویژه به «متناسب شدن» سطح محتوای برنامه درسی با ظرفیت های متفاوت دانش آموزان کلاس درس مورد نظر اشاره شده است (برای نمونه، کارپنتر و آشداون، ۱۹۹۶، نقل از: وستوود، ۲۰۰۳ و ۲۰۱۱). سایر نویسندگان به این بحث پرداخته اند که در تمایز گذاری، معلم باید کمتر به تغییر سطح یا نوع مجموعه فعالیت ها بپردازد و آنچه باید بیشتر مورد توجه او واقع شود، فراهم آوردن مسیرهای متفاوت و ارائه هر میزان از کمک است تا تمامی دانش آموزان را به مطالعه همان محتوای درسی و کسب نتایج رضایت بخش توانا سازد (برای نمونه: دتمر و همکاران، ۲۰۰۲؛ مک نامارا و مورتون، ۱۹۹۷، نقل از: وستوود، ۲۰۰۳).

یکی از حیله های اصلی که در آن «تعدیل» برای بهبود دستیابی به برنامه درسی توصیه می شود، «حیطه منابع تدریس» است. ممکن است مواد آموزشی که در یک درس به کار می روند (متون، تمرین ها، یادداشت های روی تخته و نرم افزارهای رایانه ای) به تعدیل نیاز داشته باشند و شاید برای برخی دانش آموزان، به دستگاه ها یا تجهیزات ویژه نیاز داشته باشیم. (برای نمونه، مکعب هایی برای شمارش یا گروه بندی در ریاضیات، چسباندن برکه های تمرین یا تکلیف روی میز کار برای دانش آموزی که به دشواری های حرکات دست دچار است؛ ماشین حساب سخنگو برای

مجهول پردازش می‌شوند. برای نمونه، «معلم یک خط رسم می‌کند» را به جای «خطی توسط معلم رسم می‌شود» به کار ببرید. برای آنکه دانش‌آموزی که دچار نارسایی خفیف یا دچار مشکلات خواندن و نوشتن است، به عناصر موجود در متن درسی دست یابد، در اغلب موارد به کارگیری برخی از راهبردهای فهرست بالا کافی است و در این صورت به انطباق‌های بیشتر نیاز نخواهد بود. در هر حال، شواهد نشان می‌دهند که معلمان به دلیل نبود یا کمبود وقت یا آگاهی‌ها و مهارت‌های لازم، به تعدیل مواد آموزشی چندان توجه نمی‌کنند (چان و همکاران، ۲۰۰۲، به نقل از: وستوود، ۲۰۰۳). بیرن (۱۹۹۶) در مورد گرایش به تمهید تمایزگذاری انحصاری از طریق تمرین‌های سطح‌بندی شده هشدار می‌دهد. اگرچه گاهی بهره‌گیری از تمرین‌های سطح‌بندی شده می‌تواند مفید و مناسب باشد، اما بهره‌گیری مکرر از آن‌ها ممکن است به دانش‌آموزان برجسب تعلق به گروه‌های دارای توانایی‌های خاص را بزند. علاوه بر این، باید به هشدار رابینز (۱۹۹۶، ص ۳۳) نیز توجه کرد که می‌گوید: «تمایزگذاری نباید به مرگ در اثر هزار صفحه تمرین منجر شود!» (نقل از وستوود، ۲۰۰۳).

بهره‌گیری از تعداد بسیار زیادی برگه تمرین به‌عنوان تکلیف کلاسی، در مقایسه با آموزش مستقیم، می‌تواند به نتایج ضعیف‌تری منجر شود. براساس شواهد حاصل از پژوهش در مورد آموزش ریاضی در مدارس ابتدایی انگلستان، رینولدز و موییز (۱۹۹۹: ص ۲۱) گزارش می‌دهند: «... در اغلب موارد، بیش از حد بر برگه‌های تمرین و متون درسی چاپ شده تکیه می‌شود. در حالی که این مواد به ضرورت و به ذات خود ضعیف نیستند، فقط دانش‌آموزان را به شیوه‌هایی در انزوا قرار می‌دهند که به‌طور کلی دریافت هرگونه آموزش مستقیم و مداوم برایشان دشوار می‌شود. به بیان دیگر، در اغلب موارد، ترتیبات پیچیده برای کار انفرادی فریب‌دهنده‌اند چرا که این ترتیبات به‌جای تقویت کیفیت آموزش، آن را کاهش می‌دهند و فرصت‌های یادگیری کودکان را محدود می‌سازند» (نقل از وستوود، ۲۰۰۳).

در مورد بهره‌گیری از منابع ساده شده برای برخی از دانش‌آموزان، یافته‌ای جالب موجود است: به‌طور کلی، دانش‌آموزان دوست ندارند از مواد آموزشی تعدیل یافته استفاده کنند یا اینکه تکالیف ساده‌ای به آن‌ها داده شود (هال، ۱۹۹۷؛ کلینگر و واگن، ۱۹۹۹، نقل از: وستوود، ۲۰۰۳).

دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه، به‌خصوص آن‌ها که در دوره متوسط و سنین انتهایی دوره ابتدایی هستند، می‌خواهند از همان

فعالیت‌ها، کتاب‌ها، تکالیف منزل، ملاک‌های امتیازدهی و رویه‌های گروه‌بندی که در مورد هم‌کلاسانشان به کار می‌رود، بهره‌مند شوند، اما از هر کمک تکمیلی و احتمالی معلم که طی انجام فعالیت ارائه شود، سپاس‌گزار می‌شوند. دانش‌آموزان دوست ندارند تکالیف، مواد یا آزمون‌های ساده شده را دریافت کنند، چون این رویه‌ها آنان را به‌عنوان «فردی متفاوت» انگشت‌نما می‌کند و جایگاه آن‌ها را در میان گروه هم‌سالان تنزل می‌دهد. نوجوانان به‌طور ویژه و به‌شدت نسبت به واکنش‌های هم‌سالان خود حساس هستند و ممکن است از اینکه با آن‌ها به‌عنوان فردی بدون توانایی برخوردار شود، به‌شدت رنجیده‌خاطر شوند. همچنین، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد، والدین دوست ندارند به فرزندانشان تکالیفی داده شود که ساده‌ترین فعالیت‌های کلاس تلقی می‌شوند.

«انطباق روش تدریس» تمامی تغییرات کلی و جزئی در روش ارائه درس را در کلاس دربرمی‌گیرد. این اقدام، روش تدریس، شیوه گروه‌بندی دانش‌آموزان، ماهیت مشارکت آنان در درس، تعاملات میان معلم و دانش‌آموزان و میان خود دانش‌آموزان را دربرمی‌گیرد. هنگام تعدیل فرایند آموزش و یادگیری، برخی از راهبردهای زیر را می‌توان به کار برد:

- \* معلم می‌تواند برحسب نیازهای فردی دانش‌آموزان به آن‌ها، کم یا زیاد، کمک کند.
- \* معلم می‌تواند به زبانی ساده‌تر و با ارائه نمونه‌های بیشتر، برخی از مفاهیم یا اطلاعات را به برخی از دانش‌آموزان دوباره آموزش دهد.
- \* پرسش‌هایی را که در طول درس ارائه می‌شوند، می‌توان

برای افسرد متفاوت و در سطوح دشواری متفاوت ارائه کرد.

\* در طول درس می‌توان از نزدیک بر فعالیت‌های برخی از دانش‌آموزان نظارت کرد.

\* معلم می‌تواند برای ایجاد و حفظ علاقه دانش‌آموزانی که انگیزه‌شان ضعیف است، از شگردهای ویژه‌ای بهره بگیرد.

\* برحسب نیازهای دانش‌آموزان می‌توان بازخوردی دارای جزئیات فراوان یا کم به آنان ارائه کرد.



شواهد نشان می‌دهند  
که معلمان به دلیل  
نبودن یا کمبود وقت یا  
آگاهی‌ها و مهارت‌های  
لازم، به تعدیل مواد  
منابع آموزشی چندان  
توجه نمی‌کنند

می‌یابند. برای نمونه، در موارد ضروری معلمان ماهر به تمهید کمک تکمیلی به دانش‌آموزان گرایش دارند. آنان از پرسش‌های تمایزگذاری شده، تشویق همراه با توضیح، ترغیب و پاداش در طول ارائه درس بهره می‌گیرند. همه این راهبردها را می‌توان

در حالی که معلم به پیگیری یک برنامه درسی مرسوم برای کل کلاس مشغول است، به کار گرفت. به همین دلیل، راهبردهای مزبور به‌عنوان مناسب‌ترین انطباق‌هایی که معلمان می‌توانند به‌اجرا درآورند، تلقی می‌شوند. بی‌تردید، اجرای این راهبردها برای هر معلمی که در حال گذر از روشی رسمی و متمرکز بر کل کلاس به رویکردی انفرادی شده‌تر است نقطه آغاز بسیار مناسبی است. طبق آنچه که در مورد پویایی‌های فرایندهای تغییر در آموزش و پرورش می‌دانیم، بیشترین احتمال برای ایجاد تغییر هنگامی وجود دارد که از معلمان بخواهیم در جهت هدفی جدید قدم‌های کوتاهی را بردارند، نه اینکه انتظار جهش‌های بلند داشته باشیم. در واقع، هنگامی تغییر رخ می‌دهد که آن‌ها بتوانند رویه‌های جدید را براساس رویه‌های جاری کار خود شکل بدهند.

باز هم مثل گذشته از معلمان عزیز خواهشمندیم، پرسش‌ها و نظراتشان را برایمان ارسال فرمایند تا امکان پاسخ‌گویی به ابهام‌ها و آگاهی از جهت‌گیری‌هایشان فراهم آید و همگی در ایجاد محیطی امن و سرشار از شادی برای کودکان گام‌هایی برداشتیم. شاد و تندرست و سرفراز باشید.

\* می‌توان سرعت مورد انتظار برای کار دانش‌آموزان را متفاوت در نظر گرفت. این اقدام با در نظر گرفتن وقت اضافی برای تکمیل تکلیف توسط برخی از دانش‌آموزان به انجام می‌رسد.

\* می‌توان به دانش‌آموزانی که به تمرین اضافی نیاز دارند، تمرین اضافه داد. در اغلب موارد، این اقدام از طریق تعیین تکالیف متفاوت برای خانه به انجام می‌رسد.

\* برای تواناترین دانش‌آموزان، کار اضافی به‌نحوی تنظیم می‌شود که به‌طور عمده به مطالعه، پژوهش و کاربرد دانش‌ها و مهارت‌ها نیاز داشته باشد.

\* روش‌هایی که برای گروه‌بندی دانش‌آموزان، مثلاً براساس توانایی، دوستی و... به کار می‌رود نیز می‌تواند بخشی از تمایزگذاری در فرایند آموزش باشد. هدف از این اقدام می‌تواند تشویق همکاری و کمک کردن به هم‌سالان، متناسب کردن تکالیف یادگیری با سطوح توانایی دانش‌آموزان، یا کمک به معلم برای ارائه کمک بیشتر به دانش‌آموزان معینی باشد.

\* می‌توان مراکز یادگیری کلاسی را سامان داد، نظام‌های قرارداد فردی ایجاد کرد و از تدریس به کمک رایانه بهره گرفت.

شواهد موجود نشان می‌دهند که معلمان در بهره‌گیری از تعدیل فرایند آموزش، که در بالا توصیف شد، بهتر از تعدیل برنامه درسی عمل می‌کنند؛ چرا که در انجام این اقدام برایشان مشکلات کمتری به وجود می‌آید (چان و همکاران، ۲۰۰۲؛ لیزر و بن یهودا، ۱۹۹۹).

به نظر می‌رسد، معلمان تعدیل‌های فرایند آموزش را از طریق اجرای آن‌ها در سبک آموزش شخصی خود طبیعی‌تر و بسیار ساده‌تر

